

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. عرض سلام و ادب خدمت استاد عزیز و آرزوی قبولی طاعات و عبادات. بشخصه خود بنده در این چند روز این سوال مدام ذهنم را مشغول نموده بود و شاید نکاتی هم به نظرم رسید ولی یقینا با افقی که حضرتعالی در بیانات و اشارات تان در برابر مخاطب می‌کشاید، می‌توانید کمکی به دغدغه بنده هم بفرمایید. بشخصه در طی این یک هفته شاهد بودیم حتی بعض لوکوموتیورانان اصلی و گفتمان ساز تفکر انقلابی و به اصطلاح جبهه فکری فرهنگی انقلاب، در تحلیل و اتخاذ موضع و تبیین عرصه چه میزان گنگ و گیج و حتی عجیب اظهار موضع کردند و زاویه سنگینی با منظومه فکری رهبر فرزانه انقلاب گرفتند تا جایی که واقعا باید به آنان بقول آقای محسن مهدیان می‌گفتیم، لگد زدن به نظام صله ندارد و چرا اینقدر احساس عقب ماندگی از قافله را دارید؟ علی‌الخصوص بنده در حد بضاعت خویش هر چه بیشتر روش تحلیل اجتماعی سیاسی و بینش تحلیلی نایب الامام را مورد بررسی قرار می‌دهم، می‌بینم چه میزان ویژه در عرصه های فتنه گون و غبارآلود، فاصله جدی بین اندیشه ولایت و بدنه گفتمان ساز انقلاب پیدا می‌شود. صورت و محتوای تحلیل بسیاری از عزیزان حقیقتا حتی چندان تفاوتی با تحلیلها و نگرش بسیاری از معاندین نداشت و حتی با اطلاعات ناقص و ادبیات بدور از خرد انقلابی کلان نگر و عمق نگری لازم در اینکه در این برهه، اقدام و عملی در جهت تقویت جبهه تمدنی حق و ولی آن و رفع نقایص و خلل ها در بستر همان اندیشه تمدنی حق صورت بگیرد، هیجانی و بی عقبه مبنایی و تعجب برانگیز اظهار موضع می‌کنند؛ بماند که حتی در حادثه اخیر حتی روح کلی بسیاری از همین مواضع تخطئه کلی دستاوردها و ارمغان ها و افق های تاریخی انقلاب بود و صریحا علیرغم تذکر حضرت آقا، نقدها را بسمت نظام اسلامی می‌بردند (حال آنکه در اردیبهشت ۹۹ رهبری فرمودند مراقب باشید نقد شما به نظام و چارچوب انقلاب نباشد بلکه نقد دولت و جامعه باشد چون ما هنوز دولت و جامعه اسلامی نداریم و نقدتان هم همراه راهکار و امیدآفرین باشد) و حتی با مواضع شبه روشنفکرانه و یا تجدد پیچیده شده در ظاهر اسلامی، در باب حجاب و پوشش و لزوم فعالیت اجرایی حکومت اسلامی در عرصه پوشش اظهار نظر کردند و گوی سبقت را شاید به نظر من، حتی از خود روشنفکر مآب ها و سکولاریست های فرهنگی ربودند. جالبست که اگر حتی یک درصد همین حجم اظهارات و تحلیل های عجیب و فاقد عمق و پر از خطا و نقصان، به مطالبه گری جدی بر اجرای مصوبه ۴۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی که بحق از زمره متقن ترین و حکیمانه ترین تقنین های سالهای کنونی بوده است و مع الاسف بشدت مورد اجحاف و تخطی اکثر دستگاه های متولی آن قرار گرفته و چنانچه به دقت اجرا می‌گشت حتی نیاز به مداخله مستقیم نیروی

انتظامی جز در حیطه باندهای اشاعه دهنده فساد و فحشا و شکایات از هنجارشکنی های تند نبود، براتب وضعیت متعالی تر و با نگرانی کمتری در صیانت از نهاد مقدس خانواده و حفاظت از گوهر عفت و حیاء داشتیم. حتی در ایام اخیر آقای دکتر هاشمی گلیپایگانی بعنوان دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر برای تحقق راهبردهای مصوبه شورایی انقلاب فرهنگی، طرحی را ارائه داده بودند که در اثنای حوادث اخیر حتی توجهی به آن نشد و جمعی از دوستان انقلابی گویا دغدغه مندی مهمتری از مطالبه سیاست ها و راهبردهای کلان فرهنگی که مقام معظم رهبری بارها بر آن تاکید فرموده بودند، داشتند و باید از حرکت قافله نمی مانند. گویا در بحبوحه ای که جهاد تبیین بصورت عمومی منزلت خود را در خنثی سازی بلوا طلبی جبهه ابلیس نشان داد، خود نیروهای گفتمان انقلاب بیشتر نیازمند تبیین و فهم منطق ولی خویش را داشتند و گویا باید برای خود ایشان در وهله نخست تبیین می‌گشت و الزامات این عرصه و مهار احساسات و عدم توجه به داده های ناقص و ابهام آور گوشزد می‌شد. واقعا برایم دغدغه است چرا ما که خود داعیه دار بستر سازی و گفتمان سازی برای انقلابی که هویت و بنیاد حضور تاریخی مان است، بعضا اینگونه از منطق رهبر و قائدمان فاصله می‌گیریم و حتی برچسب توجیه گر جنایات و نقایص و تلخی های موجود زده می‌شود و نمی‌توانیم با پرچمدار این حرکت قدسی همدلی و همراهی کنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه حرف همین است که می‌فرمایید. هنوز حتی نتوانسته‌ایم خود را در این انقلاب و در این تاریخ به درستی برای خود معنا کنیم تا معلوممان شود که چه کسی هستیم و کجا ایستاده‌ایم! در این صورت است که از یک طرف نسبت خود را با رهبری انقلاب به صورت ایجابی می‌توانیم معلوم کنیم و از طرف دیگر نسبت خود را با جریان‌های شبه روشنفکری و به گفته شما تجدید پیچیده شده در ظاهر اسلامی به صورت سلبی معلوم نماییم، حتی متوجه عقب‌ماندگی‌های تاریخی خود نیستیم تا به جای عبور از آن‌ها، یقه همدیگر را نگیریم. به گمان بنده شاید بتوان گفت آنچه بعد از حرکت اربعینی با فوت خانم مهسا امینی پیش آمد با همه زحماتی که داشت، تذکر اساسی به ما بود تا از گذشته خود برای حضور در آینده‌ای بزرگ عبرت بگیریم و متوجه باشیم در کجا هستیم و در کجا باید باشیم. در این رابطه در جلسه دیشب به نور شخصیت متعالی رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» تذکراتی بس اجمالی داده شد. امید است فتح بابی باشد در به میان آمدن روحیه‌ای که «سلحشوری» و «عطوفت» را مایه ادامه انقلاب گرداند تا نه، عنان نظام در دست لیبرال‌های ترسو بیفتد و نه، گرفتار متحجرینی شویم که به تعبیر حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» آبروی اسلام را می‌برند. موفق باشید